



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۵ ذی‌القعدة ۱۴۴۵ سال بیست‌وششم - شماره ۷۰۲۷ - ۱۶ صفحه قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سر مقاله

انحصارگران در قوه قضائیه مشغول کارند!



محمدصادق ففقوری دبیر گروه اجتماعی

کمر انحصار شکسته است، ولی گویا نه در قوه قضائیه! چندسالی می‌شود پوشش‌های مختلفی برای شکستن حلقه انحصار در نهاد وکالت شکل گرفته و تا حدی هم موفق بوده است، اما دو حوزه بسیار مهم دفاتر خدمات قضایی و سردفتری هنوز از انحصار رنج می‌برند. بدتر آنکه هر چه

پوش‌های مختلف و گزارش‌های مفصلی هم در این رابطه نوشته می‌شود، گوش کسی بدبکار نیست و در همچنان بر همان پاشنه انحصار می‌چرخد. تلخی این انحصار آنجا بیشتر می‌شود که همین دو نهاد سالانه به صورت مستقیم و غیرمستقیم حدود ۵۰هملیون ایرانی را درگیر خود کرده‌اند. چند ده صنف مختلف با قانون تسهیل، مجوزهای خود را از انحصار خارج کرده‌اند و امضاهای طلایی از آنها حذف شده است، ولی گویا قانون همچنان زورش به دفاتر خدمات قضایی و سردفتری و دورهمی‌های این دو حوزه نمی‌رسد. حتی برعکس، از زمان تصویب انحصارزایی با قانون تسهیل، غل و زنجیر انحصار در این دو حوزه از خدمات قضایی بیشتر هم شده است! در این باره گفتنی‌هایی است.

۱- با گذشت قریب به ۱۰ سال از تأسیس رسمی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، فقط یک آزمون رسمی برای جذب مسئول دفتر خدمات قضایی برگزار شده است؛ از اعطای امتیاز دفاتر خدمات قضایی به سردفترها و بازنشستگان خاص قوه قضائیه تا پیش از برگزاری آزمون که نگذریم، نتایج این تک آزمون هم عجیب‌و غریب است! هیچ آماری از پذیرفته‌شدگان نهایی آزمون دفاتر خدمات قضایی منتشر نشده است. بنابر اخبار جستجوگر بختهای هیچ آماری از پذیرفته‌شدگان نهایی آزمون دفاتر خدمات قضایی مشخص نشده است. وضعیت این جستجوگر بختخدا که رسانه‌های غیررسمی منتشر کرده‌اند، با این حجم از پرونده‌های قضایی، در حال حاضر کل استان تهران کمتر از ۲۰۰ دفتر خدمات قضایی، در دو صفت در سایر استان‌ها اسفناک‌تر است. شلوغی همیشگی و معطلی چندین ساعته مردم در دفاتر خدمات قضایی، دردمستی ترین شاهی است که نشان می‌دهد انحصار دفاتر خدمات قضایی تا چه حد وقت مردم را می‌گیرد و به جایش اعصاب‌خردی و دلسردی از دستگاههای حاکمیتی را به آنها هدیه می‌دهد.

تازنمایی که وضعیت پذیرفته‌شدگان آزمون دفاتر خدمات قضایی را اعلام می‌کرد، پس از چندین بار به‌هم‌ریختگی، سال قبل کلاژ دسترس خارج شده‌است! از این قبیل موارد دهمستی، که البته انحصار در ارائه خدمت قضایی و شبه‌قضایی را در هم تنیده کرده‌اند، بگذریم. تأمل در پاسخ یک پرسش اساسی نشان می‌دهد مافیای انحصار چه‌طور بر خلاف منطق و کاملاً برضد حقوق عامه، به کار خود در بدنه قوه قضائیه مشغول است:

چرا خدمات قضایی ارائه‌شده در دفاتر خدمات قضایی، به‌صورت یک پنجره واحد خدمت به خود مردم واگذار نمی‌شود؟ به عبارت دیگر، چرا دسترسی‌های خدمات در دفاتر خدمات قضایی، با حفظ ضوابط امنیت برخط، برای خود مردم بازگشایی نمی‌شود؟ مگر غیر از این است که اکنون مراجعان به دفاتر خدمات قضایی باید متن‌های اظهارنامه یا دادخواست و… را خوششان تاپیچ‌شده به کاربر دفتر خدمات دهند تا آن کار بر همان متن را در سامانه بارگذاری کند؟ خب همین بارگذاری را چرا نباید خود مردم بتوانند انجام دهند تا این رانت بزرگ حذف شود؟ کاربر مستقر در دفتر خدمات قضایی کار حقوقی انجام نمی‌دهد و صرفاً اقدام به بارگذاری مواردی می‌کند که مراجع آنها را به او ارائه کرده است؛ این قدرت لایزال مافیاست که مردم را وادار کرده برای یک بارگذاری ساده ساعت‌ها در دفتر خدمات قضایی معطل بمانند. همین قدرت مافیای بااستمرار کار دفاتر خدمات قضایی باعث بلشئی‌های دیگری هم شده است؛ وکلایی که جنب دفاتر خدمات قضایی دفتر دایر کرده‌اند و کاربر دفتر خدمات، مستقیم یا ضمنی، مراجع بیچاره را برای دهمستی‌ترین کارها به این وکیل طرف‌فرار داد ارجاع می‌دهد و بقیه ماجرا.

علاوه بر این، حدود ۱۰۰ هزار وکیل در کشور ما مشغول به کارند. همه اینها سامانه مدیریت پرونده (سبب یا همان CMS) دارند. این سامانه از ثبت لایحه گرفته تا ثبت دادخواست و شکوائیه را انجام می‌دهد. به بیان دیگر، مردم به‌جای مراجعه به دفتر خدمات قضایی، می‌توانند برای ثبت لایحه و شکوائیه و دادخواست، به وکیل مراجعه کنند تا او با استفاده از سامانه خود، متن حقوقی متقاضی را بارگذاری کند. این کار، علاوه بر اینکه از بارگذاری متون غیرتخصصی (به شیوه‌ای که اکنون در دفاتر خدمات قضایی مرسوم است) و خود مراجعه متشن را به کاربر دفتر خدمات می‌دهد) جلوگیری می‌کند، موجب اشتغال‌زایی برای وکلاهم می‌شود و در نهایت زمینه جذب وکیل بیشتر را هم فراهم می‌کند.

بقیه در صفحه ۳

نشانه‌های شکست تل آویو در روز ۲۲۰ جنگ

سید حسن نصرالله: در اسر ائیل بر شکست اجماع نظر وجود دارد | صفحه ۱۵

رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیئت علمی پنجمین کنگره جهانی حضرت رضا (ع):

ما شیعیان باید ائمه خود را به دنیا بشناسانیم

صفحه ۲



بازدید ۳ساعته رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب و توصیه‌های ایشان

کتاب «خواندنی» از تاریخ انقلاب کم است

مختار پور: جریان ضد جنگ که شروع شد آقا تقریظ‌ها را کلید زدند

هیچ چیز برای رهبر حکیم انقلاب، جای کتاب را نمی‌گیرد، همین! | صفحه ۱۶ | Leader

آن جمله‌ای از خاطرات هاشمی که باقی ماند و میمیزی نشد!

فرقی بین نوشتن این حرف در خاطرات و این نوشته‌های شما هست؟ اما حالا که به سانسور و میمیزی خاطرات حساس هستید، شاید بهتر بود شما یا میزبان بخش دیگری را میمیزی می کردید که در این زمان برای آن مرحوم مفیدتر است. در خاطرات سه‌شنبه چهارم بهمن ۱۳۷۹ امده است: «شب میهمان رهبری بودم. درباره پاسخ من به نامه‌های سابق نهضت ازادی برای چاپ در آکتاب کارنامه ز خاطرات ۱۳۶۱ | پس از بحران ابحاث شده استقبال کردند و تأکید بر چاپ دارند. درباره نامه آدفتر ا تحکیم وحدت به ایشان که تند است، صحبت است. ایشان اهمیت به آن نمی‌دهند، ولی از نظر من مهم است، زیرا که به ابهت رهبری آسیب می‌رساند.»

مرحوم هاشمی واقعا چنین اعتقادی داشتند که نامه یک گروه دانشجویی اگر «تند» باشد، به ابهت رهبری آسیب می‌زند اما ظاهرا بعدها دیگر اعتقادی نداشتند که نامه بدون سلام و تند و تهدیدآمیز خوشان که نه یک تیم دانشجویی بلکه به اعتقاد اطرافیان شان شخص دوم مملکت بوده‌اند، ممکن است به «ابهت رهبری» آسیب بزند. فقم مرحوم هاشمی از اهمیت ابهت رهبری دقیق و بیجا بوده است. همه‌جای دنیا در نظام‌های دموکراتیک و غیر از آن، مجازات‌هایی

دامان تو پاک است، چرا دامن کوتاه؟

استاد افشین علاء در تازه‌ترین سروده خود به مذمت غرب‌زدگی پرداخته است

از غرب چه دیدیم، به جز شوخی و شنگی غیر از فکل و کاکل و عریانی و منگی مغرب چه گلی زد به سر ما که اسیریم جز جمعیتی بوالهوس و هیز و مفتنگی ما زاده شریفیم، چر ما د شده تقلید از زست سلبریتی می‌عویب فرنگی؟ پیوند تو با گره به و سگ نیست تجدد نسلی رسد این گونه ز شیریه به خدنگی دامان تو پاک است، چرا دامن کوتاه؟ شلوار چرا پاره؟ چرا لوله‌تنگی؟ دانم که چنین لاهی ز منکر نیندیری در فسق و هوس یار گی و سکن: صداقت در توطئه و غارت و تاراج: زرنگی شد زاده از او داعشی و صواب تل آویو با این همه، مشرق‌زده خود را به مشنگی دزدیده بسا یوسف از این قافله با مکر بلعیده بسا یونس، با خوی فتنگی بسپار خراسانیه ز رخسار زنان، شرم با پنجه چنگیز؟ نه، با ناخن رنگی هم برده شهامت ز دل شیرزن شرق هم داده به او پالتو و کفش پلنگی برداشته از چهره مردان، خط آبرو آویخته گیسوی دراز از سر چنگی آمیخته شد با رزل،ب، بس بیخ سیکار

آگهی تجدید مناقصه عمومی واگذاری سرویسهای درون شهری و برون شهری به شماره ۱۴۰۳/۲

رجوع به صفحه ۴

سازمان جابگشاورزی زنجان

تاریخ ثبت آگهی: ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

تاریخ دوم



چرا فکر می‌کنید

شبیه اپوزیسیون نیستید؟!

■ غلامرضا صدقیان | سردبیر

آقای حسن روحانی سرانجام در باره درصلاحتی خود نامه سرگشاده داد. از همان آغاز نامه ثابت می‌شود به‌رغم نیم‌قرن «انتخاب» شدن به دست مردم و هشت‌سال ریاست جمهوری، القابری دموکراسی و منتخب‌مردم‌بودن درست فهمیده نشده است. چنانکه در باوری عجیب گمان می‌شود یک رئیس‌جمهور در «آزادی بیان» و «تقد قوای دیگر» باقیه شهروندان فرق دارد و ادعای‌شود به‌قدر یک شهروند عادی هم، آزادی بیان نداشته و او چون رئیس‌جمهور بوده می‌توانسته هر چه خواست بگوید! «حق آزادی بیان» با «حقانیت بیان آزاد» لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. و این‌گونه نیست که هرچه را آزاد بیان کردید، حق باشد! آقای روحانی بر همین سیاق از اینکه او را که رئیس‌جمهور بوده مثل یک اپوزیسیون فرض کرده‌اند، شاکمی است: «اینک شورای نگهبان در بیان عدم احراز صلاحیت من به کار نامه رئیس‌جمهور قانونی کشور به‌گونه‌ای استناد می‌کند که گویی دومین مقام رسمی کشور، اپوزیسیون نظام است.» آقای روحانی گمان کرده با این استدلال دهان همه را می‌بندد، زیرا همزمانی رئیس‌جمهوربودن و اپوزیسیون‌بودن، پارادوکس است. مادامی‌که نداریم که ایشان اپوزیسیون بود یا هست، با شخصیت اپوزیسیونی داشت یا نداشت، فقط به استدلال ایشان نقد وارد است که «کسی نمی‌تواند همزمان هم رئیس‌جمهور باشد و هم دشمن.» قبل از او آقای خاتمی همان سال‌های آغازین ریاست‌جمهوری‌اش در مقابل فشار تندروهای اصلاح‌طلب بر سر آن فریاد زده که «من نمی‌توانم هم رئیس‌جمهور باشم و هم اپوزیسیون!» و عملکرد و سرنوشت می‌رسد آقای روحانی یک احساس و حق و حقوق مادام‌العمری از آن رأی‌نابطلونی دارد. البته این توهमत در اغلب رؤسا رخنه می‌کند. خاصیت نظام‌های دموکراتیک باید آن باشد که یک منتخب، خود را خادم و نوکر مردم بداند و مردم همان گونه که او را بر سر کار می‌آورند، با همان میزان قدرت و اختیار بتوانند او را عزل کنند و پس از عزل او باید «دقیقا و بالکل» مثل یک شهروند عادی باشد. اگر از یک منتخب سابق همان اول نامه اعتراضی خود خطاب به مردم بنویسد که من ۴۵سال است منتخب شما و رئیس‌جمهور شما بودم، و بخواهد از این نمذ کلاهی بدوزد، یعنی اصلا مفهوم ابتدایی منتخب‌بودن را نفهمیده است. منتخب بودید اما در چارچوب قانون اختیار آزادی بیان داشتید. اکنون هم دیگر منتخب نیستید و اگر از واژه «یک شهروند عادی» برای نشان دادن حد پایین‌اختیار خود استفاده می‌کنید، توهین به تمامی مردم و شهروندان عادی است. چه‌زمانی مسئولان مایمی خواهند این مفاهیم ابتدایی را در دولتمداری بفهمند؟!

آقای روحانی می‌گوید: «من در اوج استناد و سرخوردگی سیاسی جامعه ایران در دو انتخابات پیاپی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ با آرایسی فرآینده در رقابتی سخت و در حالی که از کان مهم حاکمیت‌علیه من علنا فعالیت می‌کردند، از سوی شما مردم به عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدم.» سه دروغ در یک‌خط! شما و دوستان تان سال‌هاست القا می‌کنید که کشور در استناد سیاسی است. این خیلی غیرسازنده و کینه‌زراه است. ۳۰ سال از ۴۵ سال انقلاب را در قدرت بودید، رئیس‌جمهور شدید، در دالان‌های سازمان ملل دنبال دیدارهای آرام‌آرامی تان با کخدا بودید، و هنوز می‌گویید استناد سیاسی؟! اگر قول مرحوم هاشمی را بپذیریم که فقط ۳درصد رأی داشتید و با حمایت ایشان که در آن زمان رویکردی متناقضه پیش گرفته بود، پنجاه به علاوه هفت‌دهم‌درصد رأی آوردید، چطور وقتی با حمایت یک منتقد و مخالف رأی می‌آورید، اسم این رخداد استناد این نامه را چه کسی برای آقای روحانی نوشته است که این اندازه بدفهمی حقیقتا این نامه را چه کسی برای آقای روحانی نوشته است که این اندازه بدفهمی درباره رابطه دولت و حکومت دارد و این دو را او چو چیز که می‌توانند علیه هم باشند، توصیف کرده است: «گفته‌های بسیاری را در دل نهان ساختم و به تاریخ سپردم تا نظام و مردم، از دوگانه‌سازی میان دولت و حاکمیت آسیب نبینند.» مگر مشاوران ایشان سواد خواندن قانون اساسی را ندارند که این نوع روابط را بفهمند و بدانند؟ در فانی اگر از منتقدان آقای روحانی نپذیریم که «روحانی در هشت سال ریاست‌جمهوری کاری جز دوگانه‌سازی نکرده» یا همین نامه شما که مشاوران کم‌حافظه در جای‌جای آن اعتراف کرده‌اند حضور و فعالیت شمار در چالش و مقابله با راکان و نهادهای قوای دیگر بوده است، چه کنیم؟!

آقای روحانی (با مشاوران ایشان) نوشته‌اند: «یا درصلاحتی رؤسای‌جمهور سابق و پاراهای از دیگر رؤسای قوا (که به این ملت مفتخرند) زیرسؤال بردن جمهوریت نظام نیست؟» نه کسی به‌خدا نیست! بلکه عین‌جمهوریت است. ذات‌جمهوریت همین است که نیستی فکر‌کنند اگر یک‌بار رأی آورد، برات عصمت مادام‌العمر دریافت کرده است. «ملاک اشخاص حال حاضر آنان است» و فراموش کرده‌اید. جمهوریت یعنی اینکه شما بعد از پایان ریاست‌جمهوری بروید مانند شهروندان عادی زندگی کنید، اما گویا «شما هنوز از خودتان بوی رئیس‌جمهور می‌شوید!» توصیه می‌کنم یکم حاجی و اشنگتن مرحوم علی‌حاتمی را ببینید. آن حاجی نگون‌بخت (اولین سفیر ایران در امریکا) هم بویی از دموکراسی نبرده بود و خلق‌خوی شاهنشاهی داشت و برای همین وقتی فهمید رئیس‌جمهور امریکا به سفارت می‌آید، تنها گوسفند سفارت را جلوی او سر برید، اما تازه متوجه شد که او دیگر رئیس‌جمهور نیست و مشغول دامپروری و باغ و پسته شد و برای گرفتن نهال درخت پسته به سفارت امده، تکو‌تنها با یک گاری و اسب و در شمایل یک کابویی، یعنی یک شهروند معمولی امریکا! اکنون چرا شما همچنان از خودتان شمیم رئیس‌بودن می‌شوید و اسمم این را هم می‌گذارید احترام به جمهوریت! همین‌ات که چقدر ناخفهی و بی‌دقتی در تنظیم یک «نامه دموکراتیک» دارید!

حقیقتا که آقای روحانی و دوستان شان در این ملت نامه و مخاطبان را ساده‌لوح می‌دانند: «با یقهای شورای نگهبان که قرار بود پاسدار شرع و قانون اساسی باشند می‌توانند به کمک دولت ملت - که فرزند نهاد روحانیت هم بوده است - چنین اتهاماتی بزنند؟» یعنی واقعا از نظر آقای روحانی اگر کسی از نهاد روحانیت بود، نمی‌شود به او هیچ اتهامی زد؟ پس این دادگاه روحانیت برای چیست؟! پس آن سخن امام که گفت «در جهنم، جهنمیان از بوی گند برخی از روحانیون در عذابند» چه معنایی می‌دهد؟!

به این ادعاچه باید گفت: «این فقهبان در کدام انتخابات و با رأی کدام ملت این حق را یافته‌اند که برگزیدگان مردم را از حق انتخاب خود محروم کنند؟» قاجعه این ادعا انجاست که این مشاوران کم‌حافظه دقیقا چهار خط بالاتر از این که به شورای نگهبان بگویند «چه کسی به شما این اجازه را داده است...» یا فهرست کردن تمامی مناصب بعد از انقلاب آقای روحانی نوشته‌اند: «این شورا که خود دو بار در انتخابات ریاست‌جمهوری و پنج بار در انتخابات مجلس‌شورای اسلامی و سه بار در همین انتخابات مجلس خبرگان رهبری صلاحیت مرا تأیید کرده است...»!

یعنی وقتی فقهبان شورای نگهبان شما را تأیید می‌کنند، از ملت اجازه دارند و هنگامی که تأیید نمی‌کنند، بدون اجازه بوده است؟! این یعنی شما محور عالم‌ابدا دقیقا یعنی شما خود ملت و خود نظام و جوهر جمهوریت و سرشت خلقت هستید و تاکنون متواضعانه مخفی می‌کردید و به کسی چیزی نمی‌گفتید؟!

بقیه در صفحه ۲